

«درس یکم»

(تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم)

خودارزیابی‌ها

سؤال نخست:

محمدباقر میرزا خسروی؛ نام اثر: شمس و طغرا / میرزا حسن خان بدیع؛ نام آثار: شمس الدین و قمر، داستان باستان

سؤال دوم:

از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار فرهنگی- اجتماعی بر ادبیات عصر مشروطه، می‌توان به تأثیر جنگ نافرجام ایران و روس و توجه مردم به واقعیت‌ها و امکانات فنی دنیاً جدید، تلاش عباس‌میرزا در روی آوردن به فنون جدید، اعزام دانشجو به خارج از کشور، رواج صنعت چاپ در روزنامه‌نویسی و ترجمه و نشر کتاب‌های غربی و همچنین، تأسیس مدرسه دارالفنون اشاره کرد.

سؤال سوم:

فرمی‌پرده؛ از شاعران آزادی‌خواه دوره بیداری است. او تحت تأثیر شعرایی چون مسعود سعد و سعدی بود. اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و وطنی در شعرش باعث شد که در نهایت، جانش را فدای آزادی کند.

عارف قزوینی؛ شاعر و موسیقی‌دان عهد مشروطه که تصنیف‌ها و ترانه‌های میهنی وی در برانگیختن مردم و آزادی‌خواهی نقش داشت. شعر او ساده و دور از پیچیدگی بود. وی از دردم‌مندترین سرایندگان عصر بیداری است.

یزدگ میرزا؛ ماهر در سروdon اشعار ساده و روان با بهره‌گیری از تعبیرات عامیانه و اندیشه‌های نوگرایانه و ترجمه از شعرهای غربی؛ در طنز و هجو و هزل نیز دستی داشت.

سؤال چهارم:

شاخ‌ترین درون‌مایه‌های شعر فارسی در عصر بیداری اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و وطنی، مبارزه با استبداد و استعمار و قانون‌خواهی است.

سؤال پنجم:

تحولات نشر فارسی در دوره بیداری، حرکتی به سمت سادگی و بی‌پیرایگی همراه با رواج روزنامه‌نگاری، ترجمه و توجه به ادبیات داستانی است؛ از جمله قالب‌های مورد توجه در حوزه ادبیات داستانی نیز می‌توان به رمان، نمایشنامه و داستان اشاره کرد.

سؤال ششم:

از عوامل مؤثر در پیدایش نهضت بازگشت، می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

یک) تاراج کتابخانه اصفهان که نتیجه آن دسترسی مردم به کتابخانه سلطنتی و ارتباط دوباره اهل ذوق با ادب کهن بود.

دو) توجه به ادبیات در دربار قاجار و رونق شاعری و مدح شاهان (که خود به خود اهل شعر را به سروdon اشعار گوناگون، بهویژه در قالب‌های

ستّتی، سوق می‌داد).

سه) تضعیف جامعه بر اثر شکست ایران از روسیه تزاری، که منجر به تضعیف پایه‌های فرهنگی و پایین آمدن سطح دانش ادبی مردم شد و اهل شعر و هنر را، به جای خلاقیت و آفرینش شیوه‌های نو، به تقلید از گذشتگان وادر کرد.

سؤال هفتم:

زبان شعر برای اینکه قابل فهم‌تر باشد و بتواند مفاهیم تازه آزادی‌خواهانه و اجتماعی را بهتر به مردم منتقل کند، به سادگی گراش پیدا می‌کند و بهره‌گیری از زبان عامه و روزمره در شعر بسیار رواج می‌یابد.

سؤال هشتم:

مهم‌ترین تأثیر وی در نثر فارسی، سوق دادن آن به سمت ساده‌نویسی و باز کردن این مسیر در نگارش بود. او با تغییر سبک نگارش فارسی، باعث شد تکلف در نثر کم شود و به مرور از بین بود. شیوه وی در نگارش، بهره‌گیری از ضرب المثل و شعر در نثر، باعث شد مردم عادی به نثر توجه بیشتری نشان دهند. قائم مقام را می‌توان احیا‌کننده نثر فارسی دانست.

«درس دوم»

پایه‌های آوایی ناهمسان

مُخْدَارْزِيَّاتِيَّهَا

سؤال نخست:

ابتدا در هر کدام از گزینه‌ها، پایه‌های آوایی را استخراج، سپس بر اساس پایه‌های استخراج شده، همسانی یا ناهمسانی آن‌ها را مشخص می‌کنیم.

منظور از وزن‌های همسان اوزان یک‌پایه‌ای یا اوزانی است که به تناب و یک‌درمیان، عیناً تکرار شوند. بر همین اساس، وزن‌هایی از جمله «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» یا «مفهول مفاعیل مفاعیل فهولن»، با وجود تکرار برخی ارکان، ناهمسان به شمار می‌آیند، زیرا این تکرار متقارن و متناب و نیست:

- (الف) آب زَنِی | دراه را | هیئت کِنِ گا | ر می رسَد (مفععلن مفاععلن، مفتعلن مفاععلن) ← همسان دولختی

ب) دِلَم سَر | بِها موْن | رَهَا مَى | پَسَنْ ذَد (فهولن فعالون فهولن فعالون) ← همسان یک پایه ای

پ) بازیئن چ | شوِر شَسَت | کِدر خَلْ قِ | عالِ مَسَت (مفهول فاعلات مفاعیل فاعلن) ← ناهمسان

ت) گش تِ اَم در | جَهَا نُ اَ | خِر کار (فاعلاتن مفاععلن فعلن) ← ناهمسان

ث) دِل نِی سَت | کَبوَرَ کِ | جُبَرْخَا سَت | نِشِی نَد (مفهول مفاعیل مفاععلن فهولن) ← ناهمسان

ج) شَفَای اَیین | دِل بِی ما | رِجُزْل قَا | یِتُ نِیست (مفاععلن فعاراتن مفاععلن فعلن) ← ناهمسان

سوال دوم:

الف

(ب)

کَش	خَا	ت	هس	نِش	رِي	فَ	كَا	مَد	حَم	مُ
کَش	پَا	نِ	جَا	بَر	رِيَن	فَ	إِا (ا)	رَان	زَا	٥
فعولن			مفاعيلن				مفاعيلن			

(پ)

هیست	تُ	می	لُ	ما	نَزْ	مِ	مِ	جا	بُ	جی	کِ	آن	با
دشت	نَ	جهم	دِ	شی	جهم	کِ	ست	تی	غَ	را	فَ	را	ما
فعل	مستفعل	مستفعل	مفاعيل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل						

(ت)

زاد	رو	فُ	ل	سُعْ	جُ	طَن	وَ	بُل	حُب	شِ	تَ	ءَا (آ)
پند	اس	رِ	مَ	مج	بِ	نَد	كُ	مِن	مُؤ	لِ	دِ	ءَز (آز)

فع

مفتَعلُن

فاعِلاتُ

مفتَعلُن

سؤال سوم:

ابتدا وزن هر بیت را استخراج می‌کنیم:

وْرْنْ كَرْيَنْهَةُ الْفُ: مفَاعِلُنْ فَعَالاتُنْ مفَاعِلُنْ فَعَلنْ

وْرْنْ كَرْيَنْهَةُ بُ: مفَعولُ مفَاعِلُنْ فَعُولُنْ (مستفعلُ فَاعِلاتُ فَعُلنْ)

وْرْنْ كَرْيَنْهَةُ پُ: مفَعولُ مفَاعِلُنْ فَعُولُنْ (مستفعلُ فَاعِلاتُ فَعُلنْ)

وْرْنْ كَرْيَنْهَةُ ثُ: مفَاعِلُنْ فَعَالاتُنْ مفَاعِلُنْ فَعَلنْ

بنابراین گرین الف و پ با هم و گزینه‌های ب و ث نیز با یکدیگر هموزنند.

سؤال چهارم:

(الف) صورت نخست:

خیز	حر	سَ	ن	را	پِ	ن	طِ	با	بَز	لَ	طَ	مَت	هِم
دند	بِي	لَ	طَ	لَم	عا	دُ	زِ	رَا	کِي	يِ	رَا	کِ	زِي

فعَلنْ

مست فعلُ

مست فعلُ

مست فعلُ

(الف) صورت دوم:

خیز	حر	سَ	ن	را	پِ	ن	طِ	با	بَز	لَ	طَ	مَت	هِم
دند	بِي	لَ	طَ	لَم	عا	دُ	زِ	رَا	کِي	يِ	رَا	کِ	زِي

فعولُنْ

مفَاعِيلُ

مفَاعِيلُ

مفَعولُ

* در علم عروض، صورت دوم جداسازی در نام‌گذاری اوزان عروضی (که به آن‌ها اصطلاحاً بحر می‌گویند)، استفاده می‌شود.

(ب) صورت نخست:

خیز	بِر	طِ	سُر	دِ	بَا	مِي	نِي*	گَا	تِ	کَس	شِ	تِي	کِش
دند	بِا	لَ	شِ	ءَا	رِ	دَا	نِه	بِي	زِ	بَا	کِ	شَد	بَا

فعولُنْ

مست فعلُنْ

فعولُنْ

مست فعلُنْ

(ب) صورت دوم:

خیز	بر	طِ	شُر	دِ	با	عِی	نِی*	گا	تِ	کَس	ش	تِی	کِش
را	نا	شِ	ءَا	رِ	دا	دِی	نَم	بِی	زِ	بَا	کِ	شَدِ	بَا

فاعلاتن

مفعول

فاعلاتن

مفعول

* این هجا به صورت نیمه‌عی نیز قابل جداسازی است.



همان‌طور که در سال گذشته خواندیم، در پایان نیم‌مصدراع او را دولغثی (دوری)، همانند پایان مصدراع عمل می‌شود؛ په این معنا که هجاهای کوتاه و کشیده در این هجا (پایان نیم‌مصدراع) در هر حالتی، یک هجای پلند به شمار می‌آیند. این نکته در جداسازی هجاهای تشکیل‌دهنده یک پیش‌پسیار مهم است، زیرا باعث می‌شود پ تقطیع نادرست، تعداد هجاهای دو مصدراع، پاپاپ شده یا ورن آن‌ها به دست نیاید.

(پ) صورت نخست:

دوست	تِ	مِ	قا	دِ	لَن	بُ	وِ	سَر	عِی
کوست	نِی	جِ	لتِ	یِ	ما	شَ	کِ	وَه	وَه

فعلن

فاعلات

مستفعل

(پ) صورت دوم:

دوست	تِ	مِ	قا	دِ	لَن	بُ	وِ	سَر	عِی (ای)
کوست	نِی	جِ	لتِ	یِ	ما	شَ	کِ	وَه	وَه

فعولن

مفاععن

مفعول

(ت) صورت نخست:

هاست	بِی	خُو	بِی	صِ	لَا	خُ	تُ	دِ	لَب
باست	زِی	گُل	بِی	دِ	خَن	د	خَن	بِ	لَخ

مفعولن

مفاعِلُ

مستفعِلُ

(ت) صورت دوم:

هاست	بِی	خُو	بِی	صِ	لَا	خُ	تُ	دِ	لَب
باست	زِی	گُل	بِی	دِ	خَن	د	خَن	بِ	لَخ

مفاعيلن

فاعلات

مفعول

سؤال پنجم:

مفهوم این بیت، وطن‌دوستی است. وطن‌دوستی و علاقه به میهن، میتواند باعث بی‌قراری دائمی یک فرد باشد؛ زیرا همیشه نگران و بی‌تاب وطن خویش است. (اغراق در توصیف وطن‌دوستی)

«درس سوم»

مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

سوال نخست:

ردیف	آرایه‌ها
الف	مه- روشن- اختر / شاخه- گل
ب	سر- دست- پا- زلف / گوی- چوگان (از اصطلاحات بازی چوگان، این کلمات می‌توانند با واژه‌هایی از جمله سوار، سوارکار و میدان نیز تشکیل رابطه مراعات نظیر بدهند).
پ	باغ- سبزه / باران خورده- تر
ت	نرگس- چمن / چشم- چشمک زدن
ث	باغ- برگ / باران- باد / روز- شب (این تناسب، رابطه تضاد نیز تشکیل داده است) / ساز- سرود
ج	آتش- شعله- شمع / شمع- پروانه (گاهی با توجه به معانی و کاربردهای گوناگون کلمات، یک واژه می‌تواند با زنجیره‌های متنوعی از واژگان، مراعات نظیر تشکیل بدهد).
چ	باغ - گل - بشکفت - تخم - خاک
ح	اسب - پیاده - رخ - پیل - شهمات - نطع (صفحه شطرنج)
خ	مرگ - زندگی - بیمیر - مردن
د	دولت - تاج - سلطنت - فقر - گدا
ذ	عمر - امروز - فردا
ر	سر - پا - دست / سر نهادن - جان شستن

سوال دوم:

(الف) تلمیح به ماجراهی حضرت خضر؛ خضر از بندگان صالح خدا و از همراهان حضرت موسی و یوشع (سلام الله علیہم) بود. روایت است که وی توانست به آب حیات (آبی که نوشیدنش به انسان حیات جاودان می‌بخشد)، دست یابد. صائب با اشاره به این ماجرا، آن را به دلیل ستمگر بودن چرخ، بعید می‌داند.

(ب) تلمیح به ماجراهای عاشقانه خسرو و شیرین (شاهزاده‌های ایرانی و ارمنی) و لیلی و مجنون (دو تن از جوانان قبایل عرب که داستان عشقشان مشهور و جهان‌گیر است).

(پ) سرد شدن از دوزخ در مصراع نخست، اشاره بسیار ظریف و غیرمستقیمی به روایت گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم دارد و مصراع دوم نیز به داستان خشک شدن رود نیل بر حضرت موسی (ع) و یارانش هنگام عبور از آن رود، اشاره می‌کند.

(ت) تلمیح به آداب و عبارت‌هایی از نماز، اذان، اقامه (تکبیره‌الاحرام: گفتن تکبیر برای شروع نماز) قدقاًمت (قد قامت الصلاه) دارد.

پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوآ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۶) فرعون نmad قدرت و پادشاهی بی اعتبار است. با مرگ فرعون، تمام عظمت و شکوه او نیز از بین رفت. گنج دقیانوس (نام قدیم شهر جیرفت) در اکتشافات باستان‌شناسی سال‌ها پیش به دست آمد. این گنج در حقیقت، اکتشافات باستانی و تاریخی بود.

- ج) تلمیح به ماجراهی عاشقانه شیرین و فرهاد (فرهاد عاشق شیرین، شاهزاده ارمی بود).
- چ) بیت اشاره به عشق نافرجام لیلی و مجنون و دلدادگی شوریده‌وار مجنون دارد.
- ح) تلمیح به گفته معروف حسین حلّاج (از بزرگان صوفیه) که همواره تکرار می‌کرد: أنا الحق.

سؤال سوم:

الف) تضمین بخشی از یک گفته معروف است که در کتب گوناگون به شکل‌های مختلفی آمده‌است و منشأ و گوینده آن معلوم نیست. مضمون این گفته، برگرفته از آیات گوناگون قرآن است که انسان را دعوت به صبر و بردباری می‌کند.

ب) بخشی از گفتار معروف حضرت علی (ع) به معنای «با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگو».

پ) تضمین بخش کوتاهی از سوره حمد: الحمد لله رب العالمين.

۷) تضمین بخشی از آیه قرآن که در سوره‌های گوناگونی از جمله بروج، طه، ابراهیم و ... آمده‌است: جناتِ تجری من تحتها الانهار؛ بهشت‌هایی که در زیر {درختان} آن، نهرهایی جاری است.

۸) از عبارت‌های عارفانه منسوب به پیامبر اسلام، به معنی «آن‌چنان که باید، حق عبادت تو را به جا نیاوردیم».

سؤال چهارم:

درون‌مایه این شعر آزادی، از مهم‌ترین درون‌مایه‌های شعر بیداری است. شاعر شان آزادی را در حد جان‌فشنایی برای آن بالا برده است.

(۵) صورت نخست:

تار	زَر	فِ	ذُل	زِ	رِه	گِ	د	شو	بُگ
ری	ما	عِ	گون	ل	نی	یِ	بِ	بو	مح
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—

فعلن فاعلات مستفعل

(۵) صورت دوم:

تار	زَر	فِ	ذُل	زِ	رِه	گِ	د	شو	بُگ
ری	ما	عِ	گون	ل	نی	یِ	بِ	بو	مح
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—

فعولن مفاععن مفعول

کارگاه تحلیل فصل

سوال نخست:

گزینه‌های الف، ب و ت، دارای پایه‌های آوایی ناهمسان هستند که تقطیع هجایی آن‌ها به ترتیب زیر است:

(الف)

بی	یا	بِ	بِ	ج	گَن	کِ	کُن	مَ	بِی	دَا	گِ	کِ	تَر
بَد	رَا	ذَ	ذَ	گُ	دَر	کِ	وِی	رُ	رَه	ذِ	ظَ	نَ	أَز
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—	U	U	—

فع

مفتولن

فاعلات*

مفتولن

مفتولن فاعلات مفتولن ← به دلیل عدم تکرار متقارن پایه‌های آوایی، این وزن ناهمسان نامیده می‌شود.

(ت)

نَد	كُ	بِ	بِ	هَا	رَهَا	كَا	رَهَا	سِو	زِ	تُ	كِ	سِو	زِ	بِ	لَا	دِ
نَد	كُ	بِ	بِ	لَا	رَهَا	صَد	رَهَا	دَف	بِي	شَ	م	نَى	زِ	يَا	لَا	نِ
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	U	—	U	—

فعلن

مفاعلن

فاعلان*

مفاعلن

مفاعلن فاعلان مفاعلن فعلن ← به دلیل عدم تکرار متقارن پایه‌های آوایی، این وزن ناهمسان نامیده می‌شود.

سوال دوم:

(الف) صورت نخست:

رَد	دَا	ر	سِي	ءَ	دِل	كِ	ت	نِس	دَا
رَد	دَا	ر	ذِي	بَ	وَا	دَ	نَ	دِي	دِر
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—

فعلن

فاعلات*

مستفعل

(الف) صورت دوم:

رَد	دَا	ر	سِي	ءَ	دِل	كِ	ت	نِس	دَا
رَد	دَا	ر	ذِي	بَ	وَا	دَ	نَ	دِي	دِر
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—

فعولن

مفاعلن

مفقولُ

(ب) صورت نخست:

شهر	دِ	گِر	ت	گَش	مِی	هَ	غ	را	جِ	با	خ	شِی	دِی
زost	رِ	ما	نَ	سا	ان (عن)	مُ	لَ	لو	مَ	دَد	وُ	دِی	کَز
—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
فعال				مستفعَلْ				مفعَلْ				مستفعَلْ	

(ب) صورت دوم:

شهر	دِ	گِر	ت	گَش	مِی	هَ	غ	را	جِ	با	خ	شِی	دِی
زost	رِ	ما	نَ	سا	ان (عن)	مُ	لَ	لو	مَ	دَد	وُ	دِی	کَز
—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
فاعل				مفعَلْ				فاعلات				مفعول	

(پ) صورت نخست:

لِی	دِ	نِی	کُ	شَان	رِی	پَ	کِ	دَان	زَ	بَر	نَ	یَا	دُن
لِی	قِ	عا	ت	دَس	کَر	نَ	کِ	کُن	مَ	بَد	ر	ها	زِن
—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
فعال				مستفعَلْ				مفعَلْ				مستفعَلْ	

(پ) صورت دوم:

لِی	دِ	نِی	کُ	شَان	رِی	پَ	کِ	دَان	زَ	بَر	نَ	یَا	دُن
لِی	قِ	عا	ت	دَس	کَر	نَ	کِ	کُن	مَ	بَد	ر	ها	زِن
—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
فعال				مستفعَلْ				مفعَلْ				مستفعَلْ	

(ت) صورت نخست:

رِیم	مِی	بِ	گِ	رَن	بِی	کِ	مَ	نِی	زا	رَ	تَ	بِی	ا (ا)
رِیم	مِی	بِ	گِ	سَن	بَا	کِ	مَ	دِی	بو	نَ	شِ	شِی	عَز
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
فعولن				مفعَلْ				مستفعَلْ				مفعول	

(ت) صورت دوم:

ریم	می	بِ	گ	رَن	بَی	کِ	م	نِی	زا	رَ	تَ	بَی	ا (آ)
ریم	می	بِ	گ	سَن	بَا	کِ	م	دِی	بُو	نَ	شِ	شَی	عَز
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—

فع لَن

مستفعلُ

مستفعلُ

مستفعلُ

سؤال سوم:

تلمیح	مراعات نظری	آرایه ↙
		بیت ↓
	شعاع، ضرب، مساحت، حساب کردن	الف
اشارة به حروف ابجد	سعفص، کلمن، خوانده، نخوانده آزادی و قانون	ب
تلمیح به عشق فرهاد و کوه کنی او به خاطر شیرین	فرهاد، کوه کنی، تیشه	پ
	دست، پای، سر	ت
	دیروز، امروز، فردا	ث

سؤال چهارم:

این شعر سروده علی‌اکبر دهخداست و برای میرزا جهانگیر خان شیرازی (ملقب به صور اسرافیل) سروده شده است. دهخدا و میرزا جهانگیر خان، سال‌ها به فعالیت‌های سیاسی و آزادی‌خواهانه پرداختند و سال‌ها در روزنامه صور اسرافیل با نوشته‌های خود، به نقد شرایط وقت پرداختند. در نهایت، میرزا جهانگیر خان به همراه هشت تن دیگر از فعالان سیاسی آن دوره ابتدا تکفیر، سپس به دستور محمدعلی شاه قاجار کشته شد. این شعر در وصف همه آزادی‌خواهان و الهام‌گیری از سرگذشت میرزا جهانگیر خان سروده شده است و نشان‌دهنده شرایط تیره و تار آن زمان و استبداد حاکم است.

سؤال پنجم:

در حیطه بدبیع معنوی، می‌توان به آرایه‌های زیر اشاره کرد:

تهران مجاز از ایران / قلم مجاز از کلام / در واژگان مشکلات و آسان از راه تداعی، رابطه تضاد معنایی وجود دارد. / برق و نور رابطه مراعات نظری (تناسب) دارند. / واژگان شرع، قرآن و ایمان تداعی‌کننده فضایی مذهبی و دینی هستند و رابطه مراعات نظری تشکیل داده‌اند. / بیت یادآور آیه نحسین سوره قلم نیز هست: نون و القلم و ما یسطرون: قسم به قلم و آن‌چه می‌نویسد. / در حیطه علم بیان نیز بارزترین آرایه شعر، بهره‌گیری از تشخیص (استعاره مکنیه) در گفتگو با قلم است.

«درس چهارم»

سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره پازگشت و بیداری)

سؤال نخست:

تحلیل شعر ملک الشعراًی پهار در قلمروی ادبی

برخی آرایه‌های به کاررفته در حیطه بیان عبارتند از: بار سفر بستان، کنایه از آماده حرکت شدن / در ترکیب «گرد شتابنده» استعاره مکنیه وجود دارد و می‌توان آن را اضافه استعاری نامید. / داغ: استعاره از سیاهی وسط گل لاله است؛ داغ است دل لاله: کنایه از عزادار بودن لاله است. / لاله‌عذاران: تشییه؛ کسانی که عذار (چهره) آنان مانند لاله زیباست. / در ترکیب دل لاله، استعاره مکنیه وجود دارد و یک ترکیب (اضافه) تشییه‌ی است. / مرغ گرفتار: استعاره مصحره از انسان اسیر / گلشن: استعاره مصحره از دنیا / هزاران به معنی بیلان: استعاره مصحره از انسان‌های آزادی خواه / خون‌بار: کنایه از غم فراوان / چون ابر بهاران همه رفتن: تشییه رفتن آدم‌ها به رفتن ابر بهاری

برخی آرایه‌های حیطه بدیع: در بیت سوم حسن تعلیل (ذکر دلیل ادبی) وجود دارد زیرا برای حالت طبیعی گل لاله و سرو دلیلی غیرعلمی (ادبی) آورده است که صرفاً از دید زیبایی‌شناسی قابل توجیه است. / خفت: کنایه از مردن / تکرار واژه‌اندوه در قلمروی واژه‌آرایی است. / حروف ر و س در برخی ایيات، واج‌آرایی (موسیقی حروف) ایجاد کرده‌اند که بر غنای موسیقی‌ای شعر افزوده است. شعر در محور افقی و در هر بیت، برای تصویرسازی از آرایه مراعات‌نظیر و تناسب‌های واژگانی بهره می‌برد؛ گروه کلماتی از جمله «گرد- دامن- سواران»، «لاله- سرو- باغ» و «مرغ- گلشن- قفس- هزار» از آن دسته‌اند.

تحلیل شعر ملک الشعراًی پهار در قلمروی فکری

شعر در یک فضای غم‌گرايانه سروده شده است. به اعتقاد شاعر، انسان‌های خوب و شایسته همه از دنیا رفتن، ایران (وطن شاعر)، خالی از افراد لايق شده و این مسأله اندوه شاعر را برانگیخته است. شاعر در نبود همراهان پیرامون خود، احساس تنهایی و نامیدی می‌کند و او نیز راه رهایی را در رفتن و ترک دنیا می‌داند. شعر یک در لایه معنایی دیگر، بی‌اعتباری دنیا را نیز تداعی می‌کند.

سؤال دوم:

تحلیل در قلمروی ادبی - دست زمانه، اضافه استعاری است. / در بیت دوم، ترکیب «سیل خون» اغراق‌گونه است. / آستین از چشم برگرفتن کنایه از آگاهی و بیداری است. / شاعر خود را در گریستن و نالیدن به ارغون (از ابزارهای موسیقی) تشییه کرده است. (ارغون سازی است که لوله‌های فراوانی برای دمیدن دارد و هنگام نواختن، از آن صدای زیادی بر می‌خیزد. / چرخ: استعاره مکنیه (= تشخیص) دارد، زیرا مخاطب شاعر واقع شده است. / بین واژگان درد و دزد نیز جناس ناقص اختلافی وجود دارد.

سؤال سوم:

تحلیل متن در قلمروی زبانی - می‌توان نشانه‌های سادگی متن دوره مشروطه را در ساختار متن دید. نشانه‌های این سادگی در جملات کوتاه، واژگان قابل فهم و پرهیز از به کارگیری واژگان دشوار و دیریاب عربی وجود دارد. وجود برخی واژگان عربی از جمله مالیه، انتظام قشون و عمارت و ... بهدلیل کاربرد اصطلاحی آن‌ها در آن دوره تاریخی از زبان فارسی است. واژه کرور از واژگان دخیل غیرعربی به زبان فارسی است که در نتیجه تبادلات فرهنگی ایران و اروپا، در کنار بسیاری واژگان دیگر به زبان فارسی راه یافتد. بیشتر واژگان به کاررفته در متن، ساده است؛ از واژگان غیرсадه می‌توان به گذشتگان (وندی)، بزرگ‌مرد (مرکب)، خرابی‌ها (وندی) و ... اشاره کرد. در قلمروی واژگانی، نویسنده از ترکیب‌های متضاد (دوست- دشمن، پستی- بلندی) برای تأثیرگذاری بیشتر سود برده است.

تحلیل متن در قلمروی فکری - مضمون غالب متن، نوگرایی و تجدّدخواهی است که از مضامین رایج نشر دوره مشروطه است. نظام‌الاسلام در این متن، درباره پیشینه تحولات جامعه ایرانی سخن می‌گوید و منشاً آن را در اقدامات امیرکبیر جستجو می‌کند. این متن را می‌توان یک نمونه از متن‌های تحقیقی و تحلیلی این عصر به شمار آورد.

درس پنجم»

اختیارات شاعری (۱)- زبانی

سؤال نخست:

اگر مصوت بلند «ی» در میان واژگان ساده یا کلمه با پسوند و پیشوند یا ضمایر پیوسته بباید، همواره کوتاه تلفظ می‌شود؛ مثل بیا، قیامت، دلداری اش و مصوت بلند «و» نیز، در واژگان تک‌هنجایی از جمله مو، رو، کو و ... هرگز کوتاه تلفظ نمی‌شود؛ واژه «سو» از این قاعده مستثنی است.

سؤال دوم:

چادوپی (—U—): اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و» در هجای دوم

ساقی ما (—U—)؛ اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی»

آهوي دشت (— U — U)؛ اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و» در هجای دوم؛ و اختیار زبانی بلند

تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای سوم

در مُنْتَهَى دوسيٰ (U—U—U—U)؛ اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در پایان هجای سوم

سوی من (UU—)؛ اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت پلند در پایان واژه «سو»

پهانه (U — —): اختیار زبانی پلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در پایان کلمه

تو گفتی (— —)؛ اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در پایان کلمه «تو»

شنبه و روز (U—U): اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در واو عطف هجای دوم

سؤال سوم:

(الف)

زیست	با	ی	جا	ن	رین	س	پ	تی	گُف
زیست	سا	ر	چا	ی	جا	ک	ب	تا	بِش
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—

۲. اختیار، زیان، حذف همراه ده جای، سنجه مصاعب نخست

۱) اختیار زبان حذف همراه با هجاء دو مصاء نخست

۲

کی	خا	مِ	د	ءا (اً)	و	ذَ	گُ	رَه	در	کِ	د	یا	فرَ
دند	نی	تَ	م	دا	سی	بَ	ذُ	دَن	شان	فِ	ن	دا	بسَ
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—

پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوآ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۱. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای نهم مصراج نخست

(پ)

ریم	گی	ن	م	را	ءا (آ)	کِ	م	نی	ءا (آ)	بِ	دِ	زِن	ما
ماست	مِ	دِ	عَ	ما	يِ	گی	دِ	سو	ءا (آ)	کِ	مِ	جي	مو
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—

فعَلن

مست فعلُ

مست فعلُ

مست فعلُ

۱. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در هجای هشتم مصراج دوم

۲. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای نهم مصراج دوم

۳. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای سیزدهم مصراج دوم

(ت)

لیست	عَ	ور	سَر	دُ	يِ	سَي	هان	جَ	لِ	ءَه (آه)	مِ	هـ	بر
لیست	عَ	بر	رَه	يُ	دي	ها	دا	خُ	نِ	دي	٥	رَ	در
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—	—	U	U	—

فاعِلن

مفتَعلُ

فاعِلن

مفتَعلُ

۱. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجاهای پنجم مصراج نخست و دوم

۲. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در هجای نهم مصراج دوم

(ث)

بي	دا	جُ	بِ	شَ	مت	غَ	زِ	نم	شا	فِ	دِ	دِي	زِ
بي	نا	شِ	ءا (آ)	غَ	با	لِ	گُ	ها	عيَن	تِ	هَس	كِ	نَم
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	U

فاعِلاتُ

فعَلاتُ

فاعِلاتُ

فعَلاتُ

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای سیزدهم مصراج نخست

(ج)

وس	هـ	وُ	وا	هـ	در	ناـ	كُ	رج	فرـ	تـ
كس	رـ	يا	بسـ	كِ	خـ	بـرـ	مـ	تـي	دـشـ	گـ
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U

فعَل

فعَولُن

فعَولُن

فعَولُن

پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوا تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

(ج)

باش	د	سو	دِ	فِک	بِ	یا	کُن	یان	زِ	یَم	گو	مِی	نِ	من
باش	د	زو	تِی	هَس	چِ	هَر	دَر	بَر	خَ	بِی	صَت	فُر	زِ	عِی
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—

فاعِلن

فاعِلاتُن

فاعِلاتُن

فاعِلاتُن

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای دوازدهم مصراج نخست

(ح)

دَنَد	دِی	جُ	رَا	وُ	يِ	گِی	رِ	چَا	بِی					
دَنَد	شِی	كِ	بَان	زَ	رِی	گَ	رِ	چَا	دَر					
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—					

فعَلن

فاعِلاتُ

مستَ فعلُ

۱. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی» در هجای چهارم مصراج نخست

۲. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای پنجم مصراج نخست



پایه‌های آوایی بیت به صورت «مفعول مفاعلن فَعُولَن» نیز قابل جداسازی است. این گونه جداسازی تعییری در کشش‌های هجایی یا اختیارات شاعری به وجود نمی‌آورد.

(خ)

يَد	رَا	بَ	سَان	يَا	دِی	خَا	پَا	بِ	گَر	لَد	خَ			
نَد	شِی	نِ	دِل	دَر	كِ	رِی	خَا	بِ	زَم	سَا	جِ			
—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	—	U		

فَعُولَن

فَعُولَن

فَعُولَن

فَعُولَن

۱. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی» در هجای هفتم مصraig نخست

۲. اختیار زبانی حذف همزه در هجای هشتم مصraig نخست

۳. اختیار زبانی حذف همزه در هجای یازدهم مصraig نخست

(د)

تِی	خ	سَا	مِی	هَ	دَن	بُو	گِ	بَر	مِ	هَ				
تِی	خ	دَا	پَر	نَ	تَن	رَف	رِ	بِی	تَد					
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—					

فعَل

فَعُولَن

فَعُولَن

پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوآ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (پایان کلمه) در هجای دوم مصراج نخست

(ذ)

گی	رِ	چا	یی	زِ	تم	گش	رِ	چا	ی	سو
گی	رِ	با	یک	بِ	سَر	دو	بِ	دَم	دا	نَ
-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U
فعل			فعولن			فعولن			فعولن	

اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و» در هجای نخست مصراج نخست

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره پایان کلمه) در هجای دوم مصراج نخست

(ر)

را	ری	ف	لو	نی	خِ	چر	کُن	مَ	هِش	کو	نِ
را	ری	سَ	دِ	خی	دِ	با	سَر	زِ	کُن	روت	بُ
-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U
فعولن			فعولن			فعولن			فعولن		

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (پایان کلمه) در هجای نهم مصراج دوم



«درس ششم»

لف و نشر، تضاد و متناقض‌نما

سؤال نخست:

(الف) ملامت=لف ۱ **شندیدم**=نشر ۱ / ندامت = لف ۲ **کشیدم**=نشر ۲ (نوع لف و نشر: مشوش)

(ب) فرو رفت=لف ۱ **به ماهی، نم خون**=نشر ۱ / بر رفت=لف ۲ **بر ما، گرد**=نشر ۲ (نوع لف و نشر:

مرتب)

(پ) دل=لف ۱ **جمع**=نشر ۱ / کشور=لف ۲ **معمور**=نشر ۲ (نوع لف و نشر: مرتب)

(ت) جیب=لف ۱ **مال**=نشر ۱ / جام=لف ۲ **می**=نشر ۲ (نوع لف و نشر: مرتب)

سؤال دوم:

(الف) برود ± نزود / (ب) نماند ± ماند / (پ) پخته ± خام / (ت) بیشی ± کمی | بکاهی ± فزایی / (ن) نخوت ± شوکت | گل ± خار

سؤال سوم:

(الف) از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی (یاری خواستن از باد برای روشن کردن چراغ، درحالی که باد خاموش کننده چراغ است، نه روشن کننده آن).

(ب) شرم سرافرازی با غرور و شرم با سرافکنندگی همراه است؛ ترکیب این دو با هم متناقض نماست). / معراج از پا افتادن (معراج به معنی بالا رفتن است که از لحاظ مفهومی نقص کننده از پا افتادن است. ترکیب این دو مفهوم در کنار یکدیگر، متناقض نماست).

(پ) عین درمان بودن درد، متناقض نماست، زیرا هرچا درد هست، درمان نیست و به عکس.

سؤال چهارم:

هیست	تُ	می	لُ	ما	نَز	مَ	مِ	جا	بُ	جَی	کِ	عَان	با
داشت	نَ	جَم	دِ	شَی	جَم	کِ	سَت	تَی	غَ	رَا	فَ	رَا	ما
—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
فاعلن				مفاعیل				فاعلات				مفقول	

در هجای نهم مصraig دوم، از اختیار زبانی حذف همزه استفاده شده است.

* در بیت تلمیح به ماجرای جمشید، پادشاه ایرانی و صاحب جام جهان‌نما هم دیده می‌شود.



پایه‌های آوابی بیت، به صورت «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» نیز قابل تفکیک است.

کارگاه تحلیل فصل

سوال نخست:

- نُوای نی (U) — — —: اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای سوم آرزوی مُوب (U) — — —: اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای چهارم دل پاک (U) — — —: اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای دوم پاری دهر (U) — — —: ۱. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی» در هجای دوم ۲. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای سوم

سوال دوم:

(الف)

روش	ف	جُو	سی	بَ	ز	مو	یا	قَی	س	را
ماست	نَ	دُم	گَن	کِ	ر	شَه	ریَّن	دَ	ت	هَس
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—

مفتولن

فاعلن	مفتولن	مفتولن
-------	--------	--------

۱. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی» در هجای سوم مصراع نخست
 ۲. اختیار زبانی حذف همزه در هجای چهارم مصراع نخست و دوم

(ب)

رد	کا	بِ	گُل	چُن	بان	غ	با	نی	بی	نَ
دد	را	بَ	گُل	تا	رد	خُ	غم	ی	ما	ج
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U

مفایلن

فعولن	مفایلن	مفایلن
-------	--------	--------

- اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه پایان کلمه در هجای سوم مصراع دوم
 اختیار زبانی حذف همزه در هجای دهم مصراع دوم

(پ)

نَد	شی	نِ	دل	ی	نِ	خا	هان	نَ	در	مش	غَ
ند	شی	نِ	مل	مح	بِ	لی	لی	کِ	زی	نا	بِ
—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U

فعولن

فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
-------	-------	-------	-------

- اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای هشتم مصراع نخست
www.Heyvagroup.com

پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوآ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

(ت)

وَم	رَ	نِ	خَا	يِ	سُو	نِ	رَا	لِ	زِ	مَنِ	رَ	زِينِ	گِ
وَم	رَ	نِ	زا	فَرِ	لُ	قِ	عا	وَم	رَ	کِ	جا	رَا	گِ
—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U

فعُلن

فعَالْتُن

فعَالْتُن

فعَالْتُن

- اختیار زبانی حذف همزه در هجاهای دوم و سوم مصراع نخست و هجای سوم مصراع دوم
- اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و» پایان کلمه در هجای دهم مصراع نخست
- اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای یازدهم مصراع نخست

(ث)

شید	خُر	هُ	ما	مُ	لِي	فِ	غا	تُ	نُ	مَ			
فل	غا	ت	نیس	دان	گَر	نِ	دو	گَر	رِین	بَ			
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	U		

فعُولُن

مفاعِيلُن

مفاعِيلُن

- اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (واو عطف) در هجاهای دوم، سوم و هفتم مصراع نخست
- اختیار زبانی حذف همزه در هجای دوم مصراع نخست

سؤال سوم:

(الف) تضاد بین واژگان قبض (گرفتگی) ± بسط (گشادگی)، و گریه ± خنیدن

(ب) دشمن ملک = لف ۱ پادشاه بی حلم = نشر ۱ / {دشمن} دین = لف ۲ زاهد بی علم = نشر ۲ (نوع لف

و نشر: مرتب)

(پ) تضاد بین واژگان روز ≠ شب، آمدی ± رفتی

(ت) مرا نصیب غم آمد به شادی همه عالم ترکیبی متناقض گونه است، زیرا شاعر می‌گوید بهره‌ام از شادی دنیا غم است.

بین واژگان شادی و غم نیز تضاد وجود دارد.

(ج) «ساده بسیار نقش» و «آگاه نبودن دانا» ترکیب‌هایی متناقض نما هستند.

(ج) ترکیب‌های آب آتش فروز و آتش آب سوز متناقض نما هستند. زیرا آب آتش را خاموش می‌کند و نمی‌تواند باعث

افروختن آن شود.

سؤال چهارم:

در متن از ترکیبات و مثال‌های عامیانه استفاده شده و زبان آن ساده و دور از پیچیدگی‌های فنی و ادبی است. از ترکیب‌های عامیانه به کار رفته در این متن می‌توان به «چه در درسر بدhem»، «آن روی کار بالاست» و «رنگش می‌پرد» اشاره کرد. «امان از همنشین بد» نیز یکی از تعبیرات رایج عامیانه در زبان فارسی است.

«درس هفتم»

تاریخ ادبیات ایران قرن چهاردهم (دوره معاصر و انقلاب اسلامی)

سؤال اول:

محکوم کردن استبداد و بیداد، ستایش آزادی و آزادی خواهان، ترسیم افق‌های روشن پیروزی، تکریم شهید و فرهنگ شهادت، طرح اسوه‌های تاریخی به ویژه تاریخ اسلام و مبارزان انقلابی مثل امام خمینی (ره).

سؤال دوم:

چهار دوره:

۱. دوره اول سلطنت رضاخان تا درخشش نیما
۲. دوره اول حکومت محمد رضا تا کودتای ۲۸ مرداد
۳. دوره سوم ۲۸ مرداد تا قیام ۱۵ خرداد
۴. دوره چهارم از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷

سؤال سوم:

داستان کوتاه، خاطره‌نگاری، زندگی‌نامه نویسی، نثر ادبی، ادبیات نمایشی

سؤال چهارم:

حیدر پاییه سلام؛ اصالت فرهنگی و زیبایی روستای زادگاه شهریار

چای پایی مُونْ؛ داستان و ادبیات مذهبی

سوسوشنون؛ رمان اجتماعی، ستایش صلح و آزادگی

سؤال پنجم:

موضوع داستان، دفاع مقدس است و به توصیف و ستایش پاک‌بازی و از خود گذشتگی در دوران دفاع مقدس می‌پردازد. از گفتگوهای داستان این نکته دریافت‌نمی‌شود که حتی پدران و مادران نیز به خاطر وطن، حاضر بودند فرزندان خود را راهی جهنه‌های جنگ کنند.

سؤال ششم:

در قلمروی فکری: توجه به اسوه‌های تاریخ اسلام، ظلم سنتیزی، عشق به ائمه

در قلمروی ادبی: شعر یاس یک مثنوی آیینی- مذهبی در توصیف مظلومیت و مصائب حضرت زهرا (علیها السلام) است. شاعر در این مثنوی، ابتدا از شیوه براعت استهلال در جذب مخاطب و شروع مناسب کلام استفاده کرده و در طول شعر نیز از آرایه‌هایی همچون تشبیه بلیغ اسنادی (فسرده غیرترکیبی)، استعاره، نمادپردازی و تلمیحات طریف نیز استفاده کرده است. بهره‌گیری از آرایه لفظی تکرار (در واژه یاس) نیز در شعر مشهود است. از جمله تشبیهات شعر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یاس‌ها یادآور پروانه‌اند/ پیغمبران خانه‌اند/ مثل عطر پاک نیت است/ دانه‌های اشکش از الماس بود (این تشبیه در بردارنده اغراق نیز هست). از تلمیحات به کاررفته در شعر نیز می‌توان موارد زیر را نام برد:

حوض کوثر، (یادآور سوره کوثر و نازل شده شأن حضرت فاطمه س); تن زهرا، گل یاس کبود (اشارة به ضربه خوردن حضرت فاطمه در اثر هجوم مخالفان به منزل ایشان); اشک حیدر به چاه (اشک ریختن علی ع در غم از دست دادن فاطمه س) و ... در دیگر آرایه‌های لفظی و معنوی شعر عبارتند از:

حس آمیزی در ترکیب بوی مهربانی، جناس ناقص در واژگان جاه و ماه، مراعات نظیر در ابر و یاس و چمن و نسترن.

پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم

هیوآ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

سؤال هفتم:

در شعر چاوشی سرگردانی و حیرانی بدنۀ روشنفکر و تحصیل کرده ایرانی در دوره‌های پیش از انقلاب، آشکار است. دغدغه‌های اجتماعی اخوان این است که آیا همه‌جا مثل ایران، مردم در نامیدی مطلق هستند یا راهی هم برای بروز رفت از شرایط نامساعد اجتماعی وجود دارد؟ اخوان از خود می‌گوید سه راه برای انتخاب وجود دارد: راه نوش و راحت و شادی؛ شهرت طلبی و به سراغ قدرت رفتن؛ یا ترک هستی و نامیدی از هر چیزی که هست. این شعر رو می‌توان نوعی رمان‌تیسم اجتماعی هم به شمار آورد، زیرا احساسات و دغدغه‌های اجتماعی شاعر را بیان می‌کند.

سؤال هشتم:

قالب شعر، نیما‌یی است؛ یعنی وزن و آهنگ دارد و مصraig‌ها کوتاه و بلند هستند. وزن شعر ناهمسان (مفهول فاعلات مفاعیل فاعلن) است که به‌دلیل نیما‌یی بودن، در مصraig‌ها کامل شکل نگرفته است. در این بند از شعر ققنوس، واژگان قافیه جهان، خیزان و پرندگان هستند که بدون تبعیت از الگوی خاصی، در پایان مصraig‌های نخست، سوم و پنجم آمده‌اند. در مصraig‌های زوج نیز واژگان فرد و سرد قافیه ساخته‌اند. نیما در شعر ققنوس، در محور عمودی، با نشاندن واژگانی چون مرغ خوشخوان، شاخ خیزان؛ شاخ، پرندگان، و ناله‌های گمشده آرایه مراعات‌نظیر شکل می‌دهد و به این ترتیب، یک تصویر منسجم نمادین خلق می‌کند.

سؤال هشتم:

شعر بیداری را می‌توان بیانیه ایران نو نامید. دگرگون شدن فضای اجتماعی و نو شدن خواسته‌های مردم، بن‌مایه‌ها و موضوعات جدیدی را به ادبیات وارد کرد که همگی، خواسته‌ها و مطالبات ایرانیان بودند. موضوعاتی از جمله وطن، آزادی، تعلیم و تربیت نوین، قانون و رسیدگی به امور جاری مردم، از بارزترین این مطالبات بود. این خواسته‌ها با امضای فرمان مشروطیت شکل رسمی و قانونی به خود گرفت، اما به مرور زمان و با بحران‌های پی‌درپی سیاسی از جمله انقلاب قاجار، روی کار آمدن رضاخان، مسدود شدن فضای سیاسی و تغییرات فاضی سیاسی- اجتماعی در ایران، کودتا‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۲ که همگی عدم ثبات سیاسی را در پی داشتند، بدنۀ اجتماعی ایران به نامیدی رسید و در عمل از دستیابی به آن‌ها درماند. از این‌رو، در شعر معاصر، بیشتر مفاهیم و درون‌مایه‌ها با وجود اجتماعی بودن، به‌دلیل استبداد و محدودیت فضای اجتماعی و سیاسی، رنگی نمادین به خود می‌گیرد و شعر از مواجهه مستقیم با نیازهای اجتماعی و خواسته‌های مردم خودداری می‌کنند. به همین دلیل، شعر معاصر پیش از انقلاب، با وجود اجتماعی بودن، رنگی تغزّلی دارد و تنوع موضوعات از ویژگی‌های بارز آن است.

«درس هشتم»

اختیارات شاعری (۲)- وزنی

سؤال نخست:

اختیارات زبانی موجب تغییر در وزن نمی‌شود، اما اختیار وزنی امکان تغییراتی کوچک در وزن را فراهم می‌کند. اختیار زبانی قابلیت‌هایی در تلفظ برای شاعر فراهم می‌سازد، در حالی که اختیار وزنی به وزن و آهنگ و ترکیب پایه‌های آوابی شعر مربوط می‌شود.

سؤال دوم:

در هجای آخر هر مصراع و در پایان نیم‌مصراع اوزان دولختی از نوع دوری. این اختیار، وزنی و نام آن، بلند تلفظ کردن هجای پایانی است.

سؤال سوم:

در	زَد	لَا	مُوْ	ن	مَ	دا	دَر	ت	دَس	
دَر	گُ	مَ	ما	عَز (آز)	رُ	ذَ	بُگ	لِي	عَ	كِ
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U
فعلن				فعالتن				فعالائن		

۱. اختیار وزنی در کاربرد «فعالاتن» به جای «فعالتن»

۲. اختیار وزنی ابدال در کاربرد یک هجای بلند (زَد) به جای دو هجای کوتاه (مَ گُ در رکن آخر (فعلن ← فعلن)^۱)

(ب)

دار	خُش	دل	رُ	كا	ز	دا	ذَن*	خُ	ي	دا	خُ	با	تُ	
نَد	كُ	بِ	دا	خُ	عَي	ذَ	مُد	نَد	كُ	نَ	گَر*	مَ	رَح	كِ
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U
فعلن				مفاعلن				فعالتن				مفاعلين		

۱. اختیار وزنی ابدال در کاربرد یک هجای بلند (خُش) به جای دو هجای کوتاه (بِ كُ در رکن پایانی (فعلن ← فعلن)^۱)

۲. اختیار وزنی تبدیل هجای کشیده پایان مصراع به یک هجای بلند (دار ← U²)

* در هجای هفتم مصراع نخست و هجای چهارم مصراع دوم اختیار زبانی حذف همزه وجود دارد.

(ب)

رَد	بَ	أَن	شِير	رِ	شَهـ	بـ	مَن	إِ	غا	يِ	كِ	سَت	كِي	
رَد	بَ	أَن	دَان	خَن	سُـ	دـ	مَـرـ	دَـانـ	بـ	مَـنـ	نَـزـ*	خـ	سـ	بـ
ـ	U	ـ	ـ	U	U	~	~	U	~	~	~	U	U	~
فاعلن				مفتعلن				فاعلن				مفتعلن		

اختیار زبانی قلب با جایه‌جایی هجاهای کوتاه و بلند در هجاهای ۸ و ۹ مصراع نخست که مفتعلن را تبدیل به مفاعلين کرده است.

۱. در تشخیص اختیار وزنی ابدال، شناسایی هجاهای کوتاه در هجای نخست از هجای دو هجای دیگر است؛ زیرا این اختیار زمانی رخ می‌دهد که معادل دو هجای کوتاه در یک مصراع یک هجای بلند در مصراع دیگر به کار رود. وقتی این اختیار رخ می‌دهد، رکن فعلاتن به مفاعلن، فعلن به فعلن، مستفعل به مفاعلن و مفتعلن نیز به مفاعلن تغییر می‌کند.

پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوآ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

* در هجای چهارم مصraig دوم اختیار زبانی حذف همزه به کار رفته است.

(ت)

ن	شِ	ور	خَن	سُ	مِ	کا	دل	فِ	تَ	نَزِ	نا	جُ	شُد
ن	شِ	سَر	یک	دِ	مَ	ءا (اً)	نش	خَ	سُ	فِ	دِی	رَ	کِ
-	-	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U
فعلن		فعالتن				فعالتن				فعالتن			

۱. اختیار زبانی «فعالتن» بهجای «فعالتن» در رکن نخست مصraig نخست

۲. اختیار وزنی ابدال در آوردن یک هجای بلند بهجای دو هجای کوتاه در رکن پایانی (فعلن ← فعالتن)

۳. اختیار وزنی در بلند کردن هجای کوتاه پایانی (ن U ← -)

* در هجای چهارم مصraig نخست، اختیار زبانی حذف همزه و در هجای چهارم تبدیل مصوت کوتاه پایان کلمه به مصوت بلند وجود دارد.

(ث)

بِيم	لَ	طَ	دَت	يَا	زِ	كِ	جَت	حا	جِ	سَت	ما	بَا	رِ	يَا
بس	را	ما	جان	س	نِ	مو	عَان	تِ	بَ	صُح	تِ	لَ	دو	
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
فعلن		فعالتن				فعالتن				فعالتن				

۱. اختیار وزنی کابرد فعالتن بهجای فعالتن در دو رکن نخست هر دو مصraig

۲. اختیار وزنی ابدال در آوردن یک هجای بلند (را) بهجای دو هجای کوتاه (طَ لَ) در رکن پایانی مصraig دوم (فعلن ← فعالتن)

۴. اختیار وزنی بلند بودن هجای کشیده پایان مصraig نخست (بِيم U ← -)

* در هجای سوم مصraig دوم، اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه وجود دارد.

(ج)

نِی	خَا	كِ	رَق	وَ	هَر	بِ	شِ	کُو	مِی
نِی	دا	م	ما	تَ	را	—	نِش	دا	کان
-	—	U	—	U	—	U	U	—	—
فعلن		فاعِلاتُ				مستفعلُ			

اختیار وزنی ابدال در رکن پایانی هر دو مصraig (فعلن ← فعالتن)

اختیار وزنی ابدال در رکن نخست مصraig دوم، که بهجای دو هجای کوتاه (ش بِ) یک هجای بلند (نِش) آمده است. (مستفعلُ ← مفعولن)

پایه‌های آوابی بیت، بهصورت «مفعول مفاعلن فعولن» نیز قابل تفکیک است.



پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوآ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

(ج)

کو	رم	مح	هان	ج	بِ	یَم	گو	کِ	با
دان	بَ	خَ	بِي	بَا		يَم	گو	بَر	خَ
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U

فعُلن
فعَلَتْن
فعَلَتْن

۱. اختیار وزنی «فعَلَتْن» بهجای «فعَلَتْن» در رکن اول مصراع نخست

۲. اختیار وزنی ابدال و آوردن یک هجای بلنده (یَم) بهجای دو هجای کوتاه (بِ جَ) در رکن دوم مصراع دوم (فعَلَتْن ← مفعولن)

۳. اختیار وزنی ابدال و آوردن یک هجای بلنده (رم) بهجای دو هجای کوتاه (خَ بَ) در رکن آخر مصراع نخست (فعَلَن ← فَعلَن)

(ح)

نانک	جُ	د	رِي	* را	بَ	لِر	نَا	مَن	لِر	دِ	* يِ	فَا	وَ	بِ
بید		شا	بُگ	گَر	ذِ	وَ	شَع	كِ	لَ	فَ	ايَ	رِ	بَ	چَن
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U

فعُلن
فعَلَتْن
فعَلَتْن
فعَلَتْن

۱. اختیار وزنی تبدیل رکن فعالاتن به فعالاتن در رکن نخست مصراع دوم

۲. اختیار وزنی ابدال در تبدیل دو هجای کوتاه (دِ جَ) به یک هجای بلنده (شا) در رکن پایانی مصراع دوم (فعَلَن ← فَعلَن)

۳. در هجاهای پایانی هر دو مصراع، هجای کشیده به هجای بلنده تبدیل شده است.

* در هجای چهارم مصراع نخست، اختیار زبانی تبدیل مصوت کوتاه (کسره اضافه) به بلنده وجود دارد.

* در هجای یازدهم مصراع دوم، اختیار زبانی حذف همزه وجود دارد.

* در هجاهای سوم و هفتم مصراع دوم، اختیار زبانی تبدیل مصوت کوتاه به بلنده (کسره اضافه) وجود دارد.

سؤال چهارم:

(الف)

ند	كُ	مي	ن	دَن	رو	سُ	يِ	وا	هَ	لَم	دِ	گَر	دِي
كست	شِ	لو	كَ	در	ما	لِ	دِ	يِ	ن	ها	بَ	ها	ثَن
-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-

فاعلن
مفاعيل
فاعلات
مفقول

۱. اختیار زبانی بلنده تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای ششم مصراع دوم

۲. اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیده هجای پایانی مصراع دوم به هجای بلنده

پایه‌های آوابی بیت به صورت «مستفعلن مفاعيل مستفعلن فعل» نیز قابل تفکیک است، اما در علم عروض، برای وزن نخست نام‌گذاری می‌شود.



پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوا تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

(ب)

تُ	مُ	لا	سَ	مت	هَ	دَ	مِي	خُد	کِ	آش	ن	با	زَ	بِ	من
وی	رَ	مِي	نَ	با	زَ	جُ	هَم	لَم	دِ	شِ	تَ	آ	رَ	سَ	بَر
—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—

مفاعلعن

مفتعلن

مفاععن

مفتعلن

- اختیار وزنی در تبدیل هجای کوتاه پایانی مصراع نخست به هجای بلند
- اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای ششم مصراع دوم

(ب)

ماست	شُ	رِ	شَه	يِ	ها	شِ	شِي	دَرَ	تَ	تِ	كَس	شِ	لَم	دِ	
خاست	مِي	ـ	مان	نِ	نِي	جُ	کِيَن	سِي	كَ	د	با	تِ	كَس	ـ	شِ
ـ	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	U

فعُلن

مفاععن

فعُلاتُن

مفاععن

- اختیار زبانی حذف همزه در هجای هفتم مصراع نخست
- اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیده پایان مصراع نخست به هجای بلند
- اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (ر ش) به یک هجای بلند (می) در رکن پایانی مصراع دوم (فعُلن ← فُعلن)
- اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیده پایان مصراع دوم به هجای بلند

(ت)

هَان	نَ	سْت	زَي	رَا	جَ	تُ	هَ	گَا	نَ	بِ	نَم	دا	نَ	من	
واَن	تَ	نَ	تَن	كُف	نُ	دَ	دِي	وَان	تَ	زِ	رَا	نَاف	مَ	كِ	
ـ	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	

فعُلن

فعُلاتُن

فعُلاتُن

فعُلاتُن

- اختیار وزنی آوردن «فعُلاتُن» بهجای «فعُلاتُن» در رکن نخست مصراع نخست
- اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه پایان کلمه (کسره اضافه) در هجای هشتم مصراع نخست
- اختیار زبانی حذف همزه در هجای سوم مصراع دوم

«درس نهم»

اغراق، ایهام و ایهام تناسب

سوال نخست:

الف) شیرین در مصراع اول ایهام به طعم شیرین (معنی نخست) و معشوقه فرهاد (معنی دوم) دارد.

ب) در واژگان اوفتاده و مهر ایهام وجود دارد؛ اوفتاده به معنای قرار گرفته بر روی زمین (معنای نخست) و متواضع و فروتن (معنای دوم) به کار رفته است و مهر نیز دارای معنای محبت (معنای نخست) و خورشید (معنای دوم) به کار رفته است. با توجه به کاربرد این معناها در شعر و منظور شاعر، در واژه نخست (اوفتاده) ایهام و در واژه دوم (مهر) ایهام تناسب وجود دارد. مهر با واژگان عیوق و آفتاب تناسب (مراعات نظیر) دارد و به همین دلیل، ایهام نهفته در واژه مهر را تناسب می‌نمایم.

پ) در واژه «باقی» ایهام تناسب وجود دارد؛ معنی نخست و اصلی آن در شعر «بقیه» و «باقی‌مانده» است و معنی دوم

آن جاودان است که با فانی در مصراع دوم، رابطه معنایی تضاد ایجاد کرده است.

ت) واژه نگران ایهام دارد به مضطرب (معنی نخست) و در حال نگریستن (معنی دوم)

سوال دوم:

الف) اغراق در توصیف لطافت بدن یار که حتی برگ گل نیز به بدنش آزار می‌رساند.

ب) اغراق در بلند کردن هزار من سنگ برای توصیف انتقادناپذیری {فرومایه}.

سوال سوم:

هید	ش	ت	بو	تا	ف	کو	شُ	لُ	گُ	نُ	خو	عز (از)
بود	گیئن		رَن	ها	ت	دَس	دِ	لَن	بُ	ج	مُو	بَر
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
فع			مستفعلُ				فاعلاتُ			مستفعلُ		

۱. اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیده پایان مصراع نخست و دوم به یک هجای بلند

۲. اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (تِش) به یک هجای بلند (گین) در رکن سوم مصراع دوم (مستفعل  مفعولون)

تفکیک پایه‌های آوایی شعر به صورت «مفعول مفاعیلُ مفاعیلُ فعل» نیز امکان‌پذیر است و نام‌گذاری در علم عروض نیز بر مبنای همین وزن صورت می‌گیرد.

کارگاه تحلیل فصل

سؤال نخست:
(الف)

هی	د	ق	عِش	بِ	گَر	ء	ری	دا	ج	هُر
نی	بی		یان	زِ	وی	جُ	گَر	رم	فِ	کا
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	—
فعلن			مفاعِلن				فاعِلاتن			

اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (ق د) به یک هجای بلند (بی) در رکن آخر مصراع دوم (فعلن ← فعلن)
اختیار وزنی در تبدیل فعالاتن رکن اول هر دو مصراع به فاعلاتن

(ب)

بی	فا	وَ	رُ	مِه	بی	تُ	کِ	ول	ذو	مَ	تَ	نِس	دا	نَ	من
بی	پا	نَ	ئُ	دی	بن	بِ	کِ	بِه	زان	نَ	تَ	بس	نا	د	غه
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
فعِلاتن			فعِلاتن				فعِلاتن				فاعِلاتن				

اختیار وزنی آوردن فعالاتن بهجای فعالاتن در رکن نخست هر دو مصراع
اختیار زبانی حذف همزه در هجای هفتم هر دو مصراع

(پ)

بود	دان	دَن	ج	هُر	خت	ری	رو	دُ	سو	بِ	را	مَ
بود	بان	تا	غ	را	ج	بل	لا	دان	دن	د	بو	نَ
—	—	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—
فعلن			مفاعِلن				فعِلاتن				مفاعِلن	

- اختیار وزنی ابدال در رکن آخر هر دو مصراع در تبدیل دو هجای کوتاه به یک هجای بلند (فعلن ← فعلن)
- اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیده پایان هر دو مصراع (بود) به هجای بلند
- اختیار وزنی ابدال در تبدیل دو هجای کوتاه (د ف) به یک هجای بلند (دان) در رکن دوم مصراع دوم (فعالاتن ← مفعولن)

(ت)

لَك	ف	كِ	ضا	قَ	شِ	كِ	تر	در	ري	تَي	ند	ما	نَ
شود	گُ	نَ	حَان	تِ	ءِم (ام)	تِ	گُش	وَن	سَ	بِ	لَم	دِ	سو
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—
فعلن			مفاعِلن				فعِلاتن				مفاعِلن		

- اختیار وزنی ابدال در تبدیل دو هجای کوتاه (ب س) به یک هجای بلند (ري) در رکن دوم مصراع نخست (فعالاتن ← مفعولن)
- اختیار زبانی حذف همزه در هجای هفتم مصراع دوم

۳. اختیار زبانی تبدیل مصوت بلند «و» به مصوت کوتاه در پایان واژه سو در هجای نخست مصراع دوم

۴. اختیار زبانی تبدیل مصوت کوتاه پایان کلمه (کسره اضافه) به یک مصوت بلند در هجای نهم مصراع نخست و دوم مصراع دوم

۵. اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیده پایان مصراع دوم (شود) به یک هجای بلند

(٣)

خیش	ت	م	قی	ئی	را	د	خُر	در	م	ه	عز (آز)
هم		خا	دا	تُ	من	دُ	هن	خا	تُ		
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	
فعلن				مفاعِلن			فعلاتُن				

۱. اختیار وزنی در آوردن فاعلان به جای فعلان در رکن نخست مصراع دوم
 ۲. وزنی ابدال و آوردن یک هجای بلند (خ) به جای دو هجای کوتاه (م-ت) در رکن آخر مصراع دوم (فعلن ← فعلن)

(ج)

وی	ش	بَر	خَ	جِب	صَا	كِ	ش	کو	بِ	بَر	خَ	بِی	عی (ای)
وی	ش	بَر	ه	را	کی	شی		با	نَ	رُو	ه	را	تا
—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—

اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (ش که) به یک هجای بلند (شی) در رکن دوم مصraع دوم (مفاعل \leftarrow فعالون)

پایه‌های آوایی این بیت به صورت «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» نیز قابل جداسازی است. در نام‌گذاری عروضی از این وزن استفاده می‌شود.

سؤال دوم:

(الف) ایهام در واژه «بُوی» به معنی عطر (معنی نخست) و قصد (معنی دوم).

ب) ایهام تناسب در واژه «روی» به معنی، حجه که موردنظر شاعر در بیت است و یادآوری فلن روی نیز هست که با واژگان؛ مس، و

زیر (دو نوع فلز دیگر) تناسب معنایی، و مراجعات نظریه دارد.

پ) اغراق در بیان ماجراهای عاشقانه شاعر که با این همه گفتن، تنها یکی از هزاران ماجرا بوده است.

سؤال سوم:

این شعر از قالب‌های نو (سپید) شعر ادبیات انقلاب و از علی موسوی گرمارودی است.^۲ از دورنماههای شعر انقلاب، طرح اسوه‌های تاریخی و مذهبی را می‌توان در آن دید. شعر در وصف حضرت علی (ع)، متعلق به شاخهٔ نخست شعر پس از انقلاب و شعر سرشار از آرایه‌های بدیعی و تصاویری است که به آن، غنای معنایی می‌دهد. عمدۀ ترین آرایهٔ معنوی شعر، تلمیح است که در آن به صورت بی‌درپی، به وقایع زندگانی امام نخست شیعیان، اشاره شده‌است. (تلمیح به شکافته‌شدن فرق ایشان به شمشیر، کمک وی به بیوه‌زنان و یتیمان، بازی با کودکانی که پدر خود را در جنگ از دست داده‌بودند و ...).

«درس دهم»

سبک‌شناسی دورهٔ معاصر و انقلاب اسلامی

سوال نخست:

زبان و واژگان شعری در قصاید دورهٔ انقلاب به سبک خراسانی نزدیک است. / واژگان متناسب با دین، جبهه و جنگ، شهادت، ایثار و وطن دوستی در شعر و نثر این دوره بیشتر می‌شود. / باستان‌گرایی و علاقه به واژه‌های کهن و آشنایی‌زدایی در زبان شعر این دوره دیده می‌شود.

سوال دوم:

به‌دلیل ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی (بروز انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق) روح حماسه و عرفان در شعر این دوره بسیار آشکار است. در حماسه، به‌دلیل رخدادهای سیاسی آن دوره، بعد زمینی بر بعد اساطیری حماسه غلبه دارد و در عرفان نیز بعد آسمانی به‌دلیل رواج ارزش‌های اسلامی و معنوی غلبه می‌کند. نتیجهٔ تلفیق این دو بینش را در قالب جدیدی از شعر انقلاب به عنوان غزل حماسی (غزل-حماسه) می‌توان دید.

سوال سوم:

زبان داستان‌ها، به‌ویژه در زمان جنگ، بیشتر عامیانه است. / ساده‌نویسی در نثر رواج دارد. / واژه‌های مربوط به فرهنگ ایثار، جنگ، شهادت، مبارزه و مقاومت به نثر راه پیدا می‌کند. (مانند شعر)

سوال چهارم:

(الف)

قلمروی رُبائی؛ از ویژگی‌های زبانی شعر دورهٔ انقلاب در این شعر می‌توان به ترکیب‌سازی‌های شاعر اشاره کرد: معنی دریا شدن، جرأت فردا شدن، برزخ کبود، اجازه زیبا شدن، خاک بی‌بهار، عمیق زمین و این ویژگی نتیجهٔ روی آوردن شعراء به مفاهیم انتزاعی، معنوی، عرفانی و ارزشی است. بیشتر واژگان به کاررفته در این شعر فارسی است. از جمله واژگان عربی در آن می‌توان به معنی، جرأت، اجازه، عمیق و میل اشاره کرد. شاعر کمتر تمایل به بهره‌گیری از واژگان مرکب یا جملات طولانی دارد که این نکته سادگی و شفافیت بیان او را نشان می‌دهد. در شعر، برخی واژگان وندی نیز وجود دارد؛ از جمله سوخته، بی‌بهار و زمینه.

قلمروی ادبی؛ در قلمروی ادبی، شاعر با جان‌دارپنداری در عناصر طبیعی (که از ویژگی‌های بارز شعر سلمان هراتی و ناشی از عرفان طبیعت‌گرایانه اوست)، تصویرسازی کرده است. استعاره مکنیه در واژگان شب (که جرأت ندارد و فردا نمی‌شود)، علف (که اجازه زیبا شدن ندارد)، بهار (که شانه دارد و در عمیق زمین گم است)؛ استعاره مصرحه در واژهٔ رود (گروه‌های مختلف مردم)، دریا شدن (کنایه از اتحاد مردم) و برزخ کبود استعاره مصرحه از دوران ستمشاهی، برخی از بارزترین تصاویر به کاررفته در این شعرند.

قلمروی فکری؛ شعر اشاره به ستم و خفغانی می‌کند که جامعه پیش از انقلاب اسلامی را فرا گرفته بود و به مردم فرصت ابراز وجود و عقیده نمی‌داد. شعر به‌دلیل ارزشی بودن، سرشار از مفاهیمی انتزاعی، از جمله ترس، استبداد، ستم و میل به شکوفایی است. همچنین، طرح اسوه‌های انقلابی (امام خمینی ره) را در زبانی نمادین می‌توان در این شعر دید. مخاطب «تو» در بیت نخست، امام خمینی است.

(ب)

داشت	ن	دَن	شُ	يَا	دَر	يِ	نَى	مَعْ	ب	ءَا (آ)	تُ	شَزَ	پِ
داشت	نَ	دَن	شُ	دا	فَر	تِ	ءَ	جُرْ	دُ	بُو	دِ	مَانَ	شَبَ
—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
فعل				مستفعِلُن				مفاعِلُ				مستفعِلن	

۱. اختیار زبانی حذف همزه در هجای دوم مصراع نخست

۲. اختیار وزنی تبدیل یک هجای کشیده به یک هجای بلند در هجاهای پایانی هر دو مصراع

۳. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوّت بلند «ی» در هجای هفتم مصراع نخست

پایه‌های آوایی شعر به صورت «مفهول فاعلات مفاعیل فاعلن» نیز قابل جداسازی است.

سؤال پنجم:

این نثر از نمونه‌های شرح حال نویسی ادبیات معاصر است؛ می‌توان آن را دارای نوعی سیک فردی، که از ویژگی‌های رایج نثر معاصر است، یعنی نام نویسنده‌اش (زرین‌کوب) نامید. جملات آن کوتاه، صریح، توصیفی و عینی است. (به توصیف ساده‌زیستی مولانا پرداخته است) لحنی صمیمی، اماً جدی دارد. زبان آن فاخر و از عبارات عامیانه دور است، اماً مصنوع یا فنی نیست، زیرا سجع‌پردازی و تمایل به بهره‌گیری از واژگان دشوار و هماهنگ، عبارات عربی و ... در آن دیده نمی‌شود.



«درس یازدهم»

وزن در شعر نیمایی

سؤال نخست:

مراحل تقطیع				متن شعر
دُخاک	شَبِ دَمْ كَر	هَسْ تَشْبِيك	پایه‌های آوایی	
فعلن	فعالاتن	فاعالاتن	وزن	هست شب یک شبِ دم کرده و خاک
-U U	--U U	--U-	نشانه‌های هجایی	
خ تِ آست*	رَنْ گِ رُخْ با		پایه‌های آوایی	
فعلن	فعالاتن		وزن	رنگ رخ باخته است
-U U	--U-		نشانه‌های هجایی	
بَرِ کوه	وِي آبِ رَز**	با دُنُو با	پایه‌های آوایی	
فعلن	فعالاتن	فاعالاتن	وزن	باد نوباؤه ابر، از بر کوه
-U U	--U U	--U-	نشانه‌های هجایی	
خ تِ آست*	سوِي من تا		پایه‌های آوایی	
فعلن	فعالاتن		وزن	سوی من تاخته است
-U U	--U-		نشانه‌های هجایی	

* در هجاهای پایانی همه مصraig‌ها اختیار وزنی تبدیل هجایی کشیده به بلند در پایان مصraig وجود دارد.

** در هجایی هشتم مصraig دوم، اختیار زبانی حذف همزه وجود دارد.

سؤال دوم:

مراحل تقطیع				متن شعر
تَصَرِّیست	نِداِيِ مُخ	رِقْ مُخِ رِب	پایه‌های آوایی	
فعلن	مفاعلن	فعالاتن	وزن	میان مشرق و غرب ندای مختصری است
-U U	- U-U	--U U	- U-U	نشانه‌های هجایی
گو***ید	كِ گا ه می		پایه‌های آوایی	
فعلن	مفاعلن		وزن	که گاه می‌گوید
--	- U-U		نشانه‌های هجایی	
*تر***سم	لِ دار می	رِي دُن با	پایه‌های آوایی	
فعلن	مفاعلن	فعالاتن	وزن	من از ستاره دنباله‌دار می‌ترسم
--	- U-U	--U U	- U-U	نشانه‌های هجایی
هد***کرد*	طُلوع خا	مش رِق	پایه‌های آوایی	که از کرانه مشرق طلوع خواهد کرد

پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوآ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

فعلن	مفاعلن	فعالتن	مفاعلن	وزن	
--	- U-U	- - U U	- U-U	نشانه‌های هجایی	

- * در هجای پایانی مصراع نخست و چهارم، اختیار وزنی تبدیل هجای کشیده پایان مصراع به هجای بلند وجود دارد.
- ** در رکن‌های پایانی مصراع‌های دوم، سوم و چهارم، اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه به یک هجای بلند وجود دارد.

(فعلن ← فعلن)

- ✿ در هجای دوم مصراع سوم، اختیار زبانی حذف همزه وجود دارد.

سوال سوم:

مراحل تقطیع							متن شعر
نی	رِ زِ مِسْ تا	سَرْدُبِیْ آب	دَرْ صَمَمِیْ *	چُنْ دِرَخْ تَی	پایه‌های آوایی		چون درختی در صمیم سرد و بی‌ابر زمستانی
فع	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	وزن		
-	-- U-	-- U-	-- U-	-- U-	نشانه‌های هجایی		
بود*		بوْدُ با رَم	هَرْ جِ بَرْ گَم	پایه‌های آوایی			هرچه برگم بود و بارم بود
فع		فاعلاتن	فاعلاتن	وزن			
-	-- U-	-- U-	-- U-	نشانه‌های هجایی			
بود*	ثِ بَهَارَم	تاْنُ مِیْ رَا	گَرْمِ تاِس	رِ بُ لَوْغُ *	هَرْ جِ آزْ فَر	پایه‌های آوایی	هرچه از فر بلوغ گرم تابستان و میراث بهارم بود
فع	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	وزن			
-	-- U-	-- U-	-- U-	نشانه‌های هجایی			
بود*		يا دِ گَارَم	هَرْ جِ يَا دُ	پایه‌های آوایی			هرچه ياد و يادگارم بود
فع		فاعلاتن	فاعلاتن	وزن			
-	- U--	- U--	- U--	نشانه‌های هجایی			
ریخته‌ست		رِيْ خِ تِسْتَ	پایه‌های آوایی				
فاعلن			وزن				
- U-			نشانه‌های هجایی				

این شعر از اخوان ثالث، در قالب نیمایی سروده شده است؛ به همین دلیل تعداد هجاهای مصراع‌ها در آن برابر نیست. در برخی مصراع‌ها دو رکن و در برخی از آن‌ها پنج یا شش رکن وجود دارد. بارزترین تفاوت این شعر در مقایسه با قالب‌های سنتی، غیر از نابرابری هجاهای و کوتاهی و بلندی مصراع‌ها، عبور از مرز چهار رکن در هر مصراع است. در مصراع‌های نخست و سوم این شعر، به ترتیب، پنج و شش رکن وجود دارد و این نشانه عدم پیروی به قالب‌های کهن و سنتی در قالب‌های نیمایی است.



در جدول، اختیارات شاعری با علامت * مشخص شده‌اند.

سوال چهارم:

(الف) شعر نو است و در قالب نیمایی سروده شده است. وزن و آهنگ عروضی دارد.

(ب) شعر سنتی در قالب مستزاد؛ این قالب، وزن و آهنگ عروضی دارد، همه مصراع‌ها دارای وزن عروضی یکسان

هستند، اما هر مصراع با یک پاره موزون جوایزی (روزگار اصلی شعر) از لحاظ معنایی تکمیل می‌شود.

پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوآ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

سؤال پنجم:
 (الف)

رُو	مَ	تَن	بِي	جَان	نِ	جَا	عِي	رُو	مَ	مَن	بِي	وِي	رَ	مِي	چُن
مَن	نِ	بَا	تَا	يِ	لِ	شُعْ	عِي	شُو	مَ	رُوْق	بِي	مَن	مِ	چَش	وَز
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—

مست فعلن

مست فعلن

مست فعلن

مست فعلن

نام پنجه: رجز مثمن سالم

(ب)

بِي	بَا	زِي	يُ	بِي	خُو	دِيْق	بِ	بِي	زَا	بَا	كِ	دَر	هَر	عَز	تُ
يِي	شا	بُگ	ق	خَل	يِ	رو	بِ	مَت	رَح	عَز	كِ	شَد	بَا	رِي	دَ
—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U

مفاعيلن

مفاعيلن

مفاعيلن

مفاعيلن

نام پنجه: بحر هرج مثمن سالم

(پ)

شید*	خُر	هُ	ما	بَد	را	بَ	تا	شِ	مِي	ه
ميد*	ءُم	ر	يا	لِ	وَص	بِ	شَد	بَا	را	مَ
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U

فعولن

مفاعيلن

مفاعيلن

نام پنجه: هرج مسدس محذوف

(ت)

سود*	حَ	بَر	لا	بَ	هِي	خَا	نَ	تا	لا	ءَ
لاست*	بَ	دَر	خُد	تِ	گَش	بَر	ت	بَخ	ءَان	كِ
U	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U

فعل

فعولن

فعولن

فعولن

نام پنجه: متقارب مثمن محذوف

«درس دوازدهم»

حسن تعلیل، حسن آمیزی و اسلوب معادله

سوال نخست:

آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است
نیست پروا تلغی کامان را ز تلخی‌های عشق

شاعر معتقد است عاشقان از سختی راه عشق هراسی ندارند، همان‌گونه که آب دریا به مذاق ماهی خوش می‌آید و از آن هراسی ندارد.
(تلخی‌های عشق برای عاشقی که همیشه در فراق است، مثل آب دریا برای ماهی است که اگر نباشد، حیاتش به خطر می‌افتد.)

فکر شنبه تلغی دارد جمعه اطفال را
عشرت امروز بی اندیشه فردا خوش است

در مصراج اول شاعر می‌گوید فکر روز شنبه که شروع کار و تحصیل هفتگی و پایان تعطیلی است، جمعه را برای کودکان تلغی می‌کند؛ به
همین گونه نیز عشرت و خوشی امروز، فقط بدون فکر کردن به فردا خوشایند است، زیرا فکر آینده خاطر انسان را مشوش و نگران می‌کند.

با دهان تشنگ مودن بر لب دریا خوش است
با کمال احتیاج، از خلق استغنا خوش است

بی نیازی از مردم در کمال نیاز به آن‌ها خوشایند است؛ همان گونه که مردن از تشنگی بر لب دریا (خوشایندی موردنظر شاعر در بی‌نیازی
از مردم و حفظ عزّت‌نفس است).

سرکشان را فکند تیغ مکافات از پای
شعله را زود نشانند به خاکستر خویش

انسان‌های سرکش خیلی زود به مکافات عملشان می‌رسند، همان‌طور که شعله خیلی زود در خاکستر خودش فرو می‌ریزد و تمام می‌شود.

بی کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود
پسته بی مغز چون لب واکند، رسوا شود

شاعر در مصراج نخست بیان می‌کند که نقص انسان با سخن گفتن عیان می‌شود و در مصراج دوم با تمثیل رسوابی پسته بدون مغز به محض
باز کردن دهان، همان مطلب را تأکید می‌کند.

ازاده را جفای فلک بیش می‌رسد
اول بلا به عاقبت‌اندیش می‌رسد

ستم روزگار بیشتر به انسان‌های آزاده می‌رسد، همان‌طور که بلاها ابتدا بر سر انسان عاقبت‌اندیش فرو می‌ریزد.

ملامت از دل سعدی فرونشوید عشق
سیاهی از حبشی چون رود که خود رنگ است

ملامت دیگران باعث نمی‌شود سعدی از عشق دست بشوید و آن را ترک کند؛ همان‌طور که سیاهی پوست حبشی^۳ (سیاه‌پوست) هیچ‌گاه از
او زدوده نمی‌شود، زیرا بخشی از وجود اوست. (عاشقی و ملامت‌کشی نیز بخشی از وجود شاعر است و از او جدا نمی‌شود.)

سوال دوم:

چشاندن لباس (ترکیب حواس بویایی+لامسه)/نجوای نمناک (ترکیب حواس شنوازی+لامسه)/شعر تر شیرین (ترکیب حواس شنوازی+لامسه+چشایی)/تلخ شنیدن و تلغی شنیدن (ترکیب چشایی+شنوازی)/بو می‌شنوم (ترکیب حواس بویایی+شنوازی)/رنگ می‌شنوم (ترکیب حواس بینایی+شنوازی)/خط محکم‌تر و بامزه‌تر (ترکیب حواس بینایی+لامسه+چشایی)

سوال سوم:

عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت
که چندین گل‌اندام در خاک خفت

علت روییدن گل‌ها از خاک، زیارویانی هستند که مرده‌اند و اکنون در خاک خفته‌اند.

به یک گوشمه که در کار آسمان گردی

علت چشمک زدن ستاره‌ها (درخشش آنها) ناز و گرشمه‌ای است که معشوق (تو) در کار آسمان و موجودات آسمانی روا داشته است.

خمیده‌پشت از آن گشتند پیران جهان دیده
که اندر خاک می‌جویند ایام جوانی را

علت قوز (خمیدگی پشت) پیرها خم شدن آنها برای جستجوی ایام جوانی در خاک است.

کارگاه تحلیل فصل

سوال نخست:

مراحل تقطیع				متن شعر
دل گَ زاَ تَر	باد هر دم	* صِ داَيِ	پایه‌های آوایی	
فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن	وزن	و صدای باد هر دم دل گزاتر
-- U-	-- U-	-- U-	نشانه‌های هجایی	
اوَّهَا تَر	باد باَنْ گِ	* دَرِ صِ داَيِ	پایه‌های آوایی	
فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن	وزن	در صدای باد، بانگ او رهاتر
-- U-	-- U-	-- U-	نشانه‌های هجایی	
* دُرُّنْ دِيَكِ	* آَبِ هَايِ	* آَزِ مِيَانِ	پایه‌های آوایی	
فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن	وزن	از میان آب‌های دور و نزدیک
-- U-	-- U-	-- U-	نشانه‌های هجایی	
شِيَنْ نَ داَهَا	باَزِ دَرِ گو	پایه‌های آوایی		
فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن	وزن	باز در گوش این نداها
-- U-	-- U-	-- U-	نشانه‌های هجایی	
هَا	آَيِ آَدَم	پایه‌های آوایی		
فَع	فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن	وزن	آَيِ آَدَمَهَا
-	-- U-	-- U-	نشانه‌های هجایی	

شعر در قالب نیمایی سروده شده است، طول مصraigها کوتاه و بلند است و به همین دلیل، تعداد پایه‌های آوایی در هر مصraig، بر خلاف شعر سنتی که در آن طول مصraigها و تعداد پایه‌های آوایی در دو مصraig برابر است، می‌تواند متفاوت باشد.

* همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، در هجایات قابل توجهی، اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه وجود دارد. یک اختیار وزنی نیز در هجای آخر مصraig سوم وجود دارد.

سوال دوم:

مراحل تقطیع				متن شعر
* هَ مَانْ بُويِ	هَ مَانْ رَنْ گُ	پایه‌های آوایی		
فعولن	مفاعيل	وزن		همان رنگ و همان بُوي
-- U	U- - U	نشانه‌های هجایی		
* هَ مَانْ بَارِ	هَ مَانْ بَرْ گُ	پایه‌های آوایی		
فعولن	مفاعيل	وزن		همان برگ و همان بار
-- U	U- - U	نشانه‌های هجایی		
* بَ سَيِ رازِ	ذَ روْ خُفْ تِ	هَ مَانْ خَنْ دِ	پایه‌های آوایی	
فعولن	مفاعيل	مفاعيل	وزن	همان خنده خاموش در او خفته بسی راز
-- U	U- - U	U- - U	نشانه‌های هجایی	

پاسخ خودارزیابی‌های علوم و فنون ادبی ۳- پایه دوازدهم
هیوآ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ه مان ناز*	ه مان شرم	پایه‌های آوایی	همان شرم و همان ناز
فعولن	مفاعیل	وزن	
--U	U--U	نشانه‌های هجایی	

سؤال سوم:

مراحل تقطیع			متن شعر	
هم ساخت	قا ی قی خا	پایه‌های آوایی		
فع لن	فاع لاتن	وزن	قایقی خواهم ساخت	
--	-- U-	نشانه‌های هجایی		
خت بِ آب*	خا ه مَن * دا	پایه‌های آوایی		
فعلن	فاع لاتن	وزن	خواهم انداخت به آب	
- U U	-- U-	نشانه‌های هجایی		
رِغَ ریب*	شُذْریئِ شَه	دو ر خا هم	پایه‌های آوایی	
فعلن	فاع لاتن	وزن	دور خواهم شد از این شهر غریب	
- U U	-- U U	-- U-	نشانه‌های هجایی	
شِی عشق	ست کِ در بی	چ کَ سی نی	کِ دَ ران * هی	پایه‌های آوایی
فعلن	فاع لاتن	فاع لاتن	وزن	که در آن هیچ کسی نیست که در بیشة عشق
- U U	-- U U	-- U U	-- U U	نشانه‌های هجایی
ر کُند	را بی دا	قهِ رِ ما نان	پایه‌های آوایی	
فعلن	مفعولن	فاع لاتن	وزن	قهرمانان را بیدار کند
- U U	---	-- U-	نشانه‌های هجایی	

اختیار وزنی در رکن اول مصراح‌های نخست، دوم، سوم و پنجم و تبدیل «فاعلاتن» به «فاعلاتن»
 اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (خت بِ) به یک هجای بلند (هم ساخت) در رکن آخر مصراح نخست (فعلن ← فعالن)
 اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (ج ک) به یک هجای بلند (را) در رکن دوم مصراح پنجم (فاعلاتن ← مفعولن)
 اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیده پایان مصراح به یک هجای بلند در مصراح‌های نخست تا چهارم
 اختیار زبانی حذف همزه در هجای سوم مصراح دوم، هجای هفتم مصراح سوم و هجای سوم مصراح چهارم
سؤال چهارم:

این شعر در قالب مستزاد سروده شده است، زیرا مصراح‌هایی با وزن یکسان، پاره‌های افزوده کوتاهی از وزن دیگر در ادامه دارند که همگی از ابتدا تا انتهای بر یک وزن هستند. (مفعول مفایل مفعول فعالن+مفعول فعالن)
سؤال پنجم:

(الف) شعر یک رباعی در توصیف عظمت مقام شهیدان، ارزش‌های انقلابی و رخدادهای دفاع مقدس است.

(ب)

در حوزه علم بیان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آگوش سحر: اضافه‌ای استعاری است، نوع استعاره مکنیه است و با توجه به این که مشبه به در آن انسان است، می‌توان آن را تشخیص هم نامید. این شیوه تصویرسازی (استعاره مکنیه ← تشخیص) در مصraig دوم و در عبارت «مهتاب، خجل ز نور رخسار شماست» نیز دیده می‌شود. در مصraig سوم، برای واژه خورشید نیز استعاره مکنیه به کار رفته است: خورشید... همسایه دیوار به دیوار شماست. مصraig دوم این است، کنایه از بلند مرتبه، و عظمت شهد است.

در حوزه علم بدیع، اغراق نهفته در بالا بردن مقام شهید و هم‌سایگی با خورشید وجود دارد. در بیت نخست، واژ آرایی در واژ «ر» بر موسیقی شعر افروده است.

سؤال ششم:

بایاطاھر عریان

سوال هفتم:

الف)

تی	س	نی	من	مِن	۵	مَ	يَا	ءَا	تی	س	کی	رُو	شَب	تِ	مَس	عِی	
دل	ی	ها	تن	مِم	د	هَم	عِی	تی	س	چی	پَس	تی	س	نی	گَر	—	
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	U	—	—	
مست فعلٌ				مست فعلٌ				مست فعلٌ				مست فعلٌ				مست فعلٌ	

نام پادر: رجز مثمن سالم

(b)

نام پحر: متقارب مثمن محدود

(ب)

حدُّ	بـ	جـمـ	پـ	مـيـ	دـ	گـرـ	چـنـ	گـيـ	تـ	گـشـ	سـرـ	مـزـ*	دـ	هـرـ
وَمْ	رـ	مـيـ	رـاـ	صـحـ	بـ	هـاـ	تـنـ	مـنـ	دـ	تـنـ	رـفـ	هـانـ	رـ	هـمـ
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—

نام پحر: رمل مُثمن مُحذوف

(ت)

قی	با	نان	جُ	هم	یَت	کا	حِ	ثُر	دَف	دِین	مَد	نا	يَا	پا	بِ
قی	تا	مشُ	ل	حا	بُل	حس	ت	گُف	ید	شا	نَ	تر	دَف	صَد	بِ
—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U
مفاعیلُن				مفاعیلُن				مفاعیلُن				مفاعیلُن			

نام پُحره: بحر هرج مثمن سالم

سوال هشتم:

متن مربوط به ادبیات معاصر پس از انقلاب اسلامی ایران و درباره دفاع مقدس و آزادگانی است که در اسارت عراقی‌ها بودند.

قلمروی رُبْأَيٰ؛ در حیطه زبانی، همان‌طوری که از نثر این دوره انتظار می‌رود، زبان آن ساده است و واژگان مربوط به ادبیات دفاع مقدس در آن دیده می‌شود؛ زندانی، گلوله، عراقی‌ها و محافظان مسلح از آن دسته هستند.

قلمروی ادبی؛ این متن در قالب داستان است و از جمله کتاب‌های شرح حال و خاطره این عصر به شمار می‌آید که به ارائه گزارشی ادبی از رخدادهای زمان جنگ می‌پردازد. زاویه دید آن اول شخص است و راوی مشاهدات قهرمان داستان را از زبان «من» بیان می‌کند. این شیوه روایت، به واقع‌نمایی و پذیرش بیشتر گزارش نویسنده کمک می‌کند.

قلمروی فکری؛ این بریده از متن، در توصیف غربت آزادگان و در عین حال، امید آنان به رهایی است و نشانه‌های آن در عبارات «ین تشابه مرا دلتگ می‌کرد- مشاممان را پر کنیم از بوی تازه علف و گوش‌هایمان را از کنجشک‌های آزاد آسمان» دیده می‌شود.